

سیستان و بلوچستان: سرزمین محرومیت و مقاومت!

اکبر تک دهقان

انتشار دوم: 11 اسفند 1388 - 2 مارس 2010

مطلبی که در زیر میخوانید، انتشار دوم و بدون تغییر مقاله ای است، که در مقطع شروع مبارزه مسلحانه در سیستان و بلوچستان از سوی جریان "سازمان جندالله ایران"، بعدها: "جنبش مقاومت مردمی ایران"، نگاشته شده است. اقدام به انتشار دوم مقاله، در شرایطی صورت میگیرد که رهبر این جریان، عبدالمالک ریگی، در توطئه ای مشترک از سوی دولت‌های اسلامی پاکستان و ایران، بازداشت شده، تحت شرایط غیرانسانی بازجویی در زندان حکومت اسلامی نیز، به مقابل دوربین‌های تلویزیونی کشانده شده است.

مطلب فوق به دلیل برخورد اولیه در نوع خود و همچنین اطلاعات موجود در آن، میتواند برای علاقمندان به موضوع در شرایط ویژه فعلی، مفید باشد. انتشار دوم مقاله با تأکید بر این خواسته صورت میگیرد، که سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، میبایستی براساس وظایف خود، از حقوق انسانی عبدالمالک ریگی و فرد همراه او در بازداشت رژیم اسلامی دفاع نموده، مانع از اعمال شکنجه‌های بربرمنشانه علیه آنها گردند.

انتشار اول:

16 خرداد 1385 - 6 ژوئن 2006

طی چند ماه اخیر، مشخصاً از انتهای سال گذشته، گروهی تحت عنوان "سازمان جندالله ایران" که خود را نزدیک به شهروندان بلوچ با سنت مذهبی سنی معرفی نموده، دست به اقدامات مسلحانه، علیه رژیم ترور اسلامی زده است. بعلت وجود برخی زمینه‌های مذهبی، قومی و موضوعاتی نظیر فعال بودن باندهای قاچاق مواد مخدر در منطقه، سازمانها و فعالین چپ نسبت به آن با بی تفاوتی برخورد نموده اند؛ این اما همه مشکل نیست. بلکه برخی حتی با انجام یک قضاوت مبهم (از جمله از سوی نگارنده این سطور)، بر زمینه همان پیشداوریهای پیش گفته دست به موضع گیری زده، ناخواسته در میان مخاطبین خود، موجب ایجاد سوء برداشت شده اند. لازم به توضیح نیست که عنوان "جندالله" و قتل یک گروگان در مقابل دوربین فیلم برداری، و نیز عدم انتشار بیانیه رسمی و منطبق بر ادبیات سیاسی رایج، خود به ایجاد ابهام و اغتشاش کمک میکند. مطلب حاضر به سهم خود تلاش میکند، بخشی از ابهامات موجود در این زمینه را روشن ساخته، در احترام به خلق شرافتمند، تحت فقر و سرکوب بلوچ و سیستانی، سوء تفاهم ایجاد شده را جبران و حق مطلب را در این زمینه ادا نماید.

نام جریان "سازمان جندالله ایران"، اولین بار پس از عملیات نظامی در مسیر جاده زابل- زاهدان (تاسوکی) در روز 25 اسفند سال گذشته، بر سر زبانها افتاد. این عملیات به کشته شدن 23 نفر از مسئولین سیاسی و امنیتی محلی رژیم اسلامی و به گروگان گرفته شدن 7 نفر دیگر، منجر شد. این سازمان دو نفر از گروگانهای خود را در اقدامی تلافی جویانه علیه جنایات رژیم اعدام کرده، فرد دیگری را نیز، در پی انجام یک مصاحبه رادیویی مسئول این گروه آزاد کرد. اینکه عناصری از گروه فوق، چه برخوردی به گروگانهای تحت اختیار خود نموده اند، تغییری در اصل حق مردم به توسل به مقاومت مسلحانه، علیه یک رژیم بربرمنش نمی دهد. چنین حقی یک حق شهروندی، و در موازین حقوقی بین‌المللی نیز، برسمیت شناخته شده است.

دقت و کنکاش در مصاحبه‌ها و اطلاعیه‌های سیاسی آقای عبدالمالک ریگی (بلوچ)، تصویر یک خشونت طلب، ناسیونالیست افراطی و یک متعصب مذهبی را از او ارائه نمی دهد؛ بر عکس، او بمراتب به یک لیبرال مبارز، شهروند آگاه و حساس، نزدیک تر است. اما او نیز در سن 23 سالگی، ضمن داشتن توانایی‌های بیش از سن خود در درک شرایط و انتخاب شیوه زندگی، دارای کمبودهای خاص خود نیز است. احزاب سیاسی این کشور، با سنین بالای 50 و 60 سال اعضای کمیته مرکزی آنها، نقاط ضعف و ندانم کاریهایشان از گروه آقای ریگی کمتر نیست؛ چه بسا چندین برابر بیشتر است؛ فقط از نوع دیگری است! بویژه اینکه محفل بازان حرفه ای سراسری یاد گرفته اند،

لابالایگریها و اشتباهات مهلك بعضاً تبهکارانه خود را، حتی به فضیلت ارتقاء دهند. آقای ریگی بلافاصله جنایت صورت گرفته از سوی افراد وابسته به گروه خود را رد کرده، اقدامات دسته جات تروریست در جاده بم- کرمان در روز 23 اردیبهشت 85 را که منجر به کشته شدن 12 نفر غیر نظامی گردید، محکوم نموده، در حد توان و موقعیت خود، با تروریسم کور مرزبندی میکند.

با اهداف سیاسی و روشهای مبارزه این شهروند جوان و حساس بلوچ، علیه ماشین آدم کشی اسلامی میتوان مرزبندی نموده، از دید یک مارکسیست- لنینیست و یا لیبرال چپ، به آن برخورد کرد. اما اگر کسی با اندکی دقت، اسناد موجود و منتشر شده، پیرامون مواضع رهبر این گروه را مطالعه کند، در اینصورت از انجام یک قضاوت سریع (آنچه که تاکنون صورت گرفته است)، پرهیز خواهد نمود. نگارنده این سطور، به مدارک و ادعاهای اثبات شده و یا اثبات نشده، پیرامون رابطه و یا " وابستگی " فرضی گروه مزبور به این یا آن قدرت منطقه ای و جهانی دسترسی نداشته، به نقش احتمالات ناروشنی از این دست، بعنوان عناصر مؤثر در این ارزیابی متوسل نمیشود. از این رو، پایه قضاوت خود را در این رابطه، شرایط موجود و اسناد علنی شده قرار داده، تنها به ارائه یک بررسی کلی بسنده نموده است.

گروه آقای ریگی بمثابه یک جریان سیاسی اپوزیسیون در سیستان و بلوچستان، میتواند بر حمایت بخش پیشرو جامعه ایران حساب کند؛ اگر به حداقل ها و موازین یک مبارزه دموکراتیک، حال مسلحانه و یا غیر مسلحانه، پایبند بماند. موضع گیریهای تاکنونی نشان میدهد، او از توانایی و استعداد کافی در این زمینه برخوردار است.

1- یک مبارزه دموکراتیک، در عین حال با احترام به حقوق شهروندی و ارزشهای انسانی، توأم است. گروگان گرفتن افراد غیر دخیل در سرکوب مردم، و یا ایجاد آگاهانه رعب و وحشت علیه شهروندان معمولی، نمی تواند به اهداف دموکراتیک یک سازمان سیاسی، خدمت نماید.

2- یک اسیر که وابستگی او به واحدهای آدمکش رژیم اسلامی محرز گشته است، با اینحال یک زندانی است و حق دارد از همه حقوق یک اسیر، بر اساس مقررات بین المللی برخوردار شود. بویژه حقوق اولیه او نظیر تأمین غذا، وسایل استراحت و خواب و نیازهای اولیه تندرستی و بهداشتی او، باید رعایت گردند. او حق دارد، خواهان سطحی از تماس با خانواده، بویژه سالخورده گان، همسر و یا بچه های کوچک خود باشد.

3- خرد کردن شخصیت فردی یک اسیر، اقدامی غیر دموکراتیک و خلاف پرنسیپهای یک اعتراض مردمی است. یک انسان اسیر، حال هر کسی، نباید به طعمه ساده ای برای تحقیر و له کردن شخصیت او بدل گردد. همان به، که بکارگیری این روشهای غیر انسانی، در انحصار رژیم بربرمنش اسلامی باقی بماند.

4- توسل به قتل یک اسیر در مقابل دوربین فیلم برداری، و عمیقاً غیر انسانی تر از آن، سربریدن یک اسیر نظیر جنایتکاران حرفه ای در عراق، هیچ قرابتی با مبارزه دموکراتیک و حقانیت سیاسی یک جنبش اعتراضی ندارد. اینکه آقای ریگی از این نوع هولناک انتقام کشی ناشی از واکنشی عصبی به جنایات رژیم مطلع نبوده، با آن مرزبندی کرده، و مایل به مقابله به مثل با دشمن، به شیوه قتل اسیران نیست، امری مثبت اما هنوز یک توضیح اولیه است. این باید در عمل نیز اثبات گردد.

5- یک گروه سیاسی در شرایط یک جامعه امروزی، باید بر موازین سیاسی - تشکیلاتی معینی استوار گردد. اتکاء به روشهای سنتی و رهبری شخصی، تضمین کافی برای ادامه کاری و ایجاد اعتماد در میان افشار پیشرو را، بدنبال نخواهد آورد. از این رو تنظیم یک برنامه سیاسی بویژه بنفع کارگران و زحمتکشان، و معرفی آن به افکار عمومی، تدوین یک اساسنامه برای برقراری مناسبات درونی دموکراتیک و رعایت حقوق اعضاء، برای یک گروه سیاسی ضروری است. یک سازمان سیاسی باید بتواند بتدریج یک رهبری جمعی تربیت و انتخاب کرده، اتخاذ تصمیمات آن، بر نشستهای

دوره ای نظیر جلسات رسمی کمیته مرکزی متکی گردد. گروه آقای ریگی میتواند از طریق اطلاعیه های رسمی رهبر آن و یا نوع دیگری از ارتباط، با افکار عمومی تماس برقرار نموده، روابط و اقدامات فاقد اتوریته سیاسی گروهی را تحت کنترل در آورد.

6- یک گروه سیاسی نه فقط از رهبران، بلکه همچنین از اعضاء و فعالین معمولی تشکیل شده است. از این رو فعالین معمولی آن نیز، باید مداوماً و منظمآ تحت اجرای یک برنامه سیاسی دموکراتیک قرار داشته، آموزشهای سیاسی ضروری دریافت کنند. آموزشهای سیاسی در یک گروه، کمک میکند که کسی به اختیار و تشخیص خود دست به اقدام نزده، حقوق شهروندی و ضرورتهای یک برخورد انسانی را در مبارزه و فعالیتهای روزمره، رعایت کند.

7- گروه آقای ریگی تحت هیچ شرایطی نباید با دارودسته تروریست و ضد انسانی طالبان در افغانستان، در ارتباط قرار گیرد. رژیم اسلامی در ایران، همان طالبان ددمنش است، و برای جامعه ایران جز نکبت و بدبختی و پلیدی، بیار نیاورده است. کمترین تماس با داروسته خون آشام طالبان، سند خودکشی سیاسی یک جریان سیاسی، در میان اقشار دموکراتیک جامعه ایران است.

8- یک گروه سیاسی جدی در سیستان و بلوچستان، مدام در معرض خطر لغزش به دریافت کمک مالی از قاچاقچیان مواد مخدر، قرار دارد. اخیراً نیز ادعا و یا اثبات شده است، بخش بزرگی از قاچاق مواد مخدر در ایران، از طریق شبکه های وابسته به رژیم اسلامی و یا عناصری در حاشیه آن، سازماندهی میگردد. چنین رابطه ای بمتابه امکاتی برای تأمین منابع مالی یک گروه، پس از چندی، از گروه سیاسی و اهداف دموکراتیک آن، چیز زیادی باقی نخواهد گذاشت! روشن است یک جریان سیاسی که در مناطق مرزی فعالیت میکند، ممکن است با بازرگانان معمولی و یا با نوعی از تجارت کالاهای مصرفی، بقصد تأمین منابع مالی گروه سر و کار پیدا کند، و این کم و بیش اجتناب ناپذیر و قابل درک است.

9- آقای ریگی خود بخوبی به این امر آگاه است، که رژیم اسلامی با توسل به مذهب، دست به اینهمه جنایت زده است. اساساً تلفیق دین و سیاست، پایه حقوقی موجودیت این ماشین آدم کشی را میسازد. از این رو جنبشهای دموکراتیک- کارگری در ایران، قبل از همه برای ایجاد یک نظام سیاسی غیر مذهبی، مبارزه میکنند. عنوان " سازمان جندالله ایران " اما، یک عنوان مذهبی بوده، نشان دهنده سطحی از دخالت مذهب در تصورات سیاسی و یا جهت گیری خاصی در سیاست بسیج نیرو، از سوی این گروه است. این مسلماً نمیتواند حمایت بخش مدرن و سکولار جامعه بلوچستان و ایران را از مواضع این گروه، تسهیل نماید.

10- یک گروه سیاسی دموکراتیک، باید در محتوای مبارزه خود، بر اصل برابر حقوقی شهروندان متکی گردد. این به این معنی است که برای عضویت در گروه، شروطی نظیر مذهب، قومیت، زبان و نظایر آن، نباید مبنا قرار گیرند؛ از آنجا که برسمیت شناسی تفاوتهایی از این نوع در مناسبات اجتماعی، نقض آشکار اصل برابر حقوقی انسانها است. برای یک جریان اپوزیسیون در سیستان و بلوچستان، باید هدف اصلی هماتا مبارزه با سلطه ضد انسانی رژیم اسلامی و ایجاد یک نظام دموکراتیک در منطقه و ایران، برای همه شهروندان صرفنظر از بلوچ و غیر بلوچ، جدا از تفاوت در قومیت، مذهب و جنسیت باشد.

11- مردم سیستان و بلوچستان، نه فقط از فقر و عقب مانده گی اقتصادی رنج میبرند، بلکه وجود تبعیضهای ملی نیز، ستمی مضاعف را بر شهروندان بلوچ و سیستانی تحمیل نموده است. مردم سیستان و بلوچستان حق دارند به زبان مادری خود، تا پایان تحصیلات دانشگاهی تحصیل کنند، همه مقامات و مناصب اداری- اجرایی در منطقه را خود انتخاب و عزل کنند، از ثروتهای کشور برای توسعه سریع اقتصادی- اجتماعی بهره مند شده، هر چه زودتر به اینهمه رنج و فقر خاتمه دهند. این

اما مستلزم سرنگونی این رژیم پلید است، که نه فقط حقی را برای کسی برسمیت نمیشناسد، بلکه به هر جنبنده ای شلیک کرده، کمترین اعتراضی را به خاک و خون میکشد.

12- نظام دموکراتیک- شورایی، باید اولین سال پس از سرنگونی رژیم ترور اسلامی را در ایران، بعنوان سال سیستان و بلوچستان اعلام نموده، منابع مالی و امکانات عظیمی را برای جبران هرچه سریعتر همه عقب ماندگیهای اقتصادی و تبهکاریهای رژیم اسلامی علیه مردم محروم و صبور سیستان و بلوچستان، به این منطقه اختصاص دهد. علاوه بر این، باید بخشی از مراکز و سازمانهای دولتی سراسری به این منطقه منتقل گشته، امکانات دخالت مردم سیستان و بلوچستان در سیاستگذاری و تعیین سرنوشت عمومی کشور را گسترش دهند.

13- شرایط دردناک زندگی تحت اختناق رژیم اسلامی، برخی از افراد و جریانات را در خوزستان، آذربایجان و کردستان، به نزدیکی به مواضع افراطی ناسیونالیسم محلی سوق داده است. پیدایش یک گروه مسلح با رهبری جوان، ممکن است عناصری از همین گرایشات افراطی را در سیستان و بلوچستان، به فراست تبدیل فرد اول این گروه، به قهرمان اهداف نازل ناسیونالیستی خود اندازد. آقای ریگی اما، در رساندن پیام مردم محروم و تحت سرکوب بلوچستان به مردم و احزاب سیاسی ایرانی و غیر ایرانی موفق خواهد بود، اگر از افراطیونی از این نوع در سیستان و بلوچستان فاصله بگیرد؛ فاصله، تا چشم کار میکند!

www.j-shoraie.blogspot.com pouyane50@yahoo.de
www.radikaldemokratik.blogspot.com

لینکهای اضافه شده در انتشار دوم، شامل نشانی مطالبی است که تاکنون در وبسایت جمهوری شورایی، پیرامون مسائل سیستان و بلوچستان و پس از شروع مبارزه مسلحانه در این منطقه، منتشر شده است. ترتیب مطالب از بالا به پایین، از تاریخ قدیم به جدید را در بر میگیرند.

اصل مقاله بالا در انتشار اول در وبسایت جمهوری شورایی:

http://j-shoraii.blogspot.com/2006/06/blog-post_06.html

جنایات افسار گسیخته علیه مردم سیستان و بلوچستان! و توضیح مربوط به آن:

http://j-shoraii.blogspot.com/2006/11/blog-post_12.html

http://j-shoraii.blogspot.com/2006/11/blog-post_18.html

توحش اسلامی در سیستان و بلوچستان!

http://j-shoraii.blogspot.com/2007/02/blog-post_22.html

رویایی که به خون نشست!

http://j-shoraii.blogspot.com/2007/05/blog-post_17.html

بلوچستان پس از طوفان دریایی اخیر!

http://j-shoraii.blogspot.com/2007/06/blog-post_24.html

اعتراض به جنایات آتی رژیم اسلامی در سیستان و بلوچستان!

http://j-shoraie.blogspot.com/2009/07/blog-post_13.html

توسل به مبارزه مسلحانه، حق دموکراتیک مردم ایران است!

http://j-shoraie.blogspot.com/2009/10/blog-post_18.html

توضیحی پیرامون مواضع این وبسایت در موضوع سیستان و بلوچستان

http://j-shoraie.blogspot.com/2009/10/blog-post_19.html

سازمان ملل و توصیه به اندکشی در ایران!

http://j-shoraie.blogspot.com/2009/10/blog-post_21.html

محکومیت اقدام جنایتکارانه دولت پاکستان

http://j-shoraie.blogspot.com/2010/02/blog-post_24.html

لینکهای زیر به انتشار اول مربوط میگردند، که عیناً نقل میگردند:

برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون حوادث اخیر در سیستان و بلوچستان و گرایشات سیاسی روشنفکران بلوچ، لطفاً به منابعی که در پایین ذکر میشوند، مراجعه نمایید.

" گفتگو با جمشید امیری از جبهه متحد بلوچستان (جمهوری فدرال)، پیرامون آخرین اخبار درگیریهای منطقه بلوچستان و زمینه های شکل گیری نیروهای مذهبی مسلح بلوچ در سالهای اخیر". تاریخ انجام مصاحبه: 5 خرداد 1385، 26 مه 2006
<http://www.radiobarabari.net>

" رژیم کشتار گسترده در منطقه بلوچستان آغاز کرده است. سکوت جایز نیست. گفتگو با ناصر بلیده ای از حزب مردم بلوچستان پیرامون ابعاد این جنایت رژیم و ماهیت عملکرد نیروهای بومی منطقه با عنوان جندالله و فداییان اسلام." تاریخ انجام مصاحبه: 29 اردیبهشت 1385، 19 مه 2006

<http://www.radiobarabari.net>

نشانی سایت اینترنتی بلوچ اینفو

<http://www.balochistaninfo.com/balochistaninfo-6.htm>

نشانی سایت اینترنتی جبهه متحد بلوچستان

<http://www.baloch2000.org>

نشانی سایت اینترنتی حزب مردم بلوچستان

<http://www.balochpeople.org>

نشانی سایت اینترنتی جنبش ملی بلوچستان- ایران

<http://www.zrombesh.org>

آدرس تماس با " جنبش مقاومت مردمی ایران " (جندالله)

<http://junbish.blogspot.com>

بیانیه آقای عبدالملک بلوچ (ریگی) رهبر جندالله

خطاب به ملت ایران و اقوام تحت ستم در ایران

<http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essayId=3352>

سه شنبه 9 خرداد 1385، 30 مه 2006

گفتگوی روز نت " روز "، روزنامه صبح به وقت تهران

با عبدالملک ریگی و گروگانش، مصاحبه کننده: مریم کاشانی

<http://roozonline.com/08interview/015501.shtml>

" ده هزار نیروی نظامی رژیم در سیستان و بلوچستان "

گزارش و اطلاعیه ای از سازمانهای بلوچستانی، پیرامون تهاجم نظامی اخیر رژیم اسلامی به منطقه

<http://www.tahapress.com/contentview.php?id=1472>
